

مطالعه تطبیقی نقوش انسانی سفالینه‌های ایلخانیان و تیموریان

چکیده

هنر سفالگری یکی از هنرهای رایج و کاربردی در دوره ایلخانی و تیموریان بوده است. فضای حاکم بر نقوش سفالینه‌ها، نوع نقش‌مایه و استفاده از رنگ‌های خاص در سفالینه‌ها؛ حائز اهمیت است. در دوره‌های تاریخی ایلخانان و تیموریان، نقوش انسانی یکی از نقوش مورد استفاده در سفالگری بود. مسئله‌ای که اینجا می‌توان مطرح کرد این است که در دوره ایلخانی و تیموریان نقوش انسانی چه ویژگی‌هایی دارند؟ آثار چینی چه تأثیری بر آثار این دوره‌ها گذاشته است؟ در پیکره‌ها، لباس‌های و... در این دوره‌ها چه رنگ‌هایی به کار رفته است؟ در تحقیق حاضر از روش‌های توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، میدانی و اینترنتی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که احتمالاً آنچه در دوره تیموری اتفاق می‌افتد نگاه بهتر و کامل‌تری نسبت به طراحی، نقاشی و درک مناسب‌تری از رنگ و ترکیب‌بندی و سایر عوامل هنری است. فرم‌های دوره تیموری ابعاد بزرگ‌تری دارد ولی در دوره‌های متأخرتر ابعاد کوچک‌تر می‌شود. نقوش به‌کاررفته هم جنبه داستانی و هم تزئینی دارد. درعین حال که سفالگران ایرانی از مصنوعات چینی تقلید کرده‌اند ولی ابداعات منحصر به فردی نیز به آن افزوده‌اند تا ظروف چینی این دوره از روحیه اسلامی ایرانی نیز برخوردار باشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مختصات نقوش انسانی در سفالینه‌های دوره ایلخانی و تیموری.

۲. بررسی تطبیقی نقوش انسانی در سفالینه‌های دوره ایلخانی و تیموری.

سؤالات پژوهش:

۱. نقوش انسانی در سفال‌های دوره ایلخانی و تیموری به چه شکل است؟

۲. نقوش انسانی در سفال‌های دوره ایلخانی و تیموری دارای چه وجوه شباهت یا تفاوت‌هایی است؟

کلیدواژه‌ها: نقوش انسانی، سفالینه‌های ایلخانی، سفالینه‌های تیموری.

مقدمه

سفالینه‌های منقوش به‌عنوان نمادی از هنر ماندگار انسان در ادوار مختلف تاریخی مطرح بوده است. نقوش به‌عنوان عناصر اصلی تزئینی در سفالینه‌ها نمایانگر مفاهیمی چون اعتقادات، باورها، اندیشه‌ها، تمایلات، آرزوها و نشان‌دهنده فنون و مهارت‌های هنری به‌ویژه در زمینه طراحی است. این موضوع بیان‌کننده بخشی از فرهنگ تصویری و سنن مردم ایران در این دوره خاص است. با توجه به نقوش این دو دوره و یا تأثیراتی که دوره ایلخانی بر تیموریان داشته، ضرورت بررسی تطبیقی نقوش سفالینه‌های این دو دوره مطرح می‌شود.

نوع تحقیق نظری و از روش‌های توصیفی استفاده شده است و روش نتیجه‌گیری تطبیقی است. سؤالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که در دوره ایلخانی و تیموریان نقوش انسانی چه ویژگی‌هایی دارند؟ در پیکره‌ها، لباس‌ها چه رنگ‌هایی به‌کار رفته است؟ آیا سفال چینی تأثیری بر آثار این دوره‌ها گذاشته است؟ نقوش انسانی در سفال‌ها تزئینی بوده یا داستانی؟ احتمال می‌رود که سفال تیموریان ادامه همان روش ایلخانی است. احتمال می‌رود از نظر فرم حجمی و آناتومی در سفالینه‌های تیموریان آثار بهتری نسبت به ایلخانی ساخته شده است. دستیابی به نتیجه مطلوب از وضعیت دو دوره و سیر تکاملی تاریخی هنری این آثار، از دیگر اهداف این تحقیق است. همچنین رسیدن به این مطلب که متغیرهای عینی و ذهنی هر دو با هم در نقش‌مایه‌ها به‌کار برده شده‌اند. آگاهی ذهنی و آشنا شدن با اصول و ویژگی‌ها و تأثیرات توصیفی مربوط به هر دوره یکی از ثمرات مقایسه نقوش ایلخانی و تیموری این است که نقش‌مایه‌های جدید را مشخص می‌کند. از آنجایی که این دو دوره از لحاظ نقوش انسانی بررسی‌هایی درخور توجه دارد؛ چراکه هر کدام ویژگی‌های خاص منحصربه‌فرد خود دارد. از طرفی این بحث کمتر مورد توجه علاقمندان سفالینه‌های این دوره قرار گرفته است.

کریمی و همکاران (۱۳۶۴) در کتاب هنر سفالگری در دوره اسلامی با بررسی و تحلیل دوره ایلخانی، مطالب ارزنده‌ای در مورد ویژگی‌های سفال‌های ایلخانی بیان کرده‌اند. یا در کتاب سفالگری اسلامی آلن (۱۳۸۷)، در مورد ویژگی‌های این دوره مطالبی در خور توجه دارد و نیز آژند (۱۳۸۰) در مقاله تأثیر عناصر و نقش‌مایه‌های چینی در هنر ایران که در مورد تأثیرات هنر چینی بر سفالگری تیموری و صفویه است مطالبی آورده است. ولی تا کنون کسی در مورد تطبیق نقوش انسانی ایلخانی و تیموریان مطلبی نیاورده است. پژوهش حاضر بر مبنای ماهیت توصیفی و تحلیلی می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، میدانی و می‌باشد که ابزار آن عکاسی می‌باشد. معرفی جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه:

جامعه آماری: تصاویر موجود در منابع تخصصی سفال ایلخانی و تیموری

روش نمونه‌گیری: غیرتصادفی - تعداد نمونه: ۱۹

نتیجه‌گیری

با نگاهی به مشخصات دو دوره متوجه می‌شویم که آنچه در دوره تیموری اتفاق می‌افتد نگاه بهتر و کامل‌تری نسبت به طراحی و نقاشی و درک مناسب‌تری از رنگ و ترکیب‌بندی و سایر عوامل هنری است که مخاطب را به سوی خود جلب می‌کند و باعث شده که پیشرفت بیشتری را ببینیم، چون توجه به ظرافت‌ها و بعضی نقش‌ها در طرح‌ها و نقوش مشاهده می‌شود. استفاده از استادان سفالگر چینی در بعضی کارگاه‌ها موجب ارتقاء هنر این دوره و بعدها صفویه می‌شود احتمال می‌رود در دوره تیموری تولید ظروف جنبه مصرف داخلی داشته است. بعضاً در دوره تیموریان لعاب‌ها ترک خوردگی دارد و زمینه‌ها به کرمی تمایل دارد.

مراکز عمده تولید سفال در دوره تیموری در نواحی شرق مثل سمرقند، نیشابور و... بوده است. در سفال‌های دو دوره تزئین قسمت لبه با استفاده از خطوط و کتیبه دیده می‌شود. نقوش انسانی دوره تیموری بیشتر جنبه‌های عاشقانه دارد. فرم‌های دوره تیموری ابعاد بزرگ‌تری دارد ولی در دوره‌های متأخرتر ابعاد کوچک‌تر می‌شود در ایلخانی و تیموری اگر چه تأثیر هنر چینی، بر گسترش سفالگری در ایران غیرقابل انکار است، لیکن سفالگر ایرانی به هیچ عنوان از همتای چینی خود دون‌مایه‌تر نبوده و علی‌رغم محدودیت امکانات و دانش فنی، هنرمندی عالی‌رتبه و خالق سبک‌های تزئینی بر روی سفال بوده است که به‌ندرت در مناطق دیگر می‌توان یافت، و در آنجا به همراه تکنیک زرین‌فام به کار برده شد و سپس به اروپا راه یافت، بنابراین می‌توان ردپاهایی یافت که طی هفتصد سال به ما رسیده است. در پایان باید به این نکته اشاره نمود؛ در عین حال که سفالگران ایرانی از مصنوعات چینی تقلید نموده‌اند ولی ابداعات منحصربه‌فردی نیز به آن افزوده‌اند تا ظروف چینی این دوره از روحیه اسلامی ایرانی نیز برخوردار باشد و هیچگاه هویت ایرانی خود را فراموش نکردند.

منابع

- آزبورن، چیلورز. (۱۳۸۰) *سفالگری ایران/ ابتدایی*. ترجمه ژیلیرت صدیق پور، تهران: خاشع.
- آلن، جیمز. (۱۳۸۷). *سفالگری اسلامی*. ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۲). *خطای نامه*. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- پوپ، آرتور و همکاران. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*. ترجمه: سیروس پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.
- توحیدی، فایق. (۱۳۷۹). *فن و هنر سفالگری*. تهران: سمت.
- راجرز، ام. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران (سفالگری)*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه روز.
- رفیعی، لیلا. (۱۳۷۷). *سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*. تهران: یساولی.
- زکی، محمدحسن. (۱۳۸۴). *چین و هنرهای اسلامی*. ترجمه غلامرضا تهمانی. تهران: فرهنگستان هنر.
- خلیلی، ناصر. (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*. ترجمه فرناز حائری. تهران: کارنگ.
- کامبخش فرد، سیفاله. (۱۳۸۳). *سفال و سفالگری در ایران (از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر)*. تهران: ققنوس.
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۴). *هنر سفالگری در دوره اسلامی*. تهران: مرکز باستان‌شناسی.
- کلاویخو، رویگوئثالت. (۱۳۴۴). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. تهران: دانشگاه.
- مرزبان، پرویز. (۱۳۸۳). *خلاصه تاریخ هنر*. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- گروبه، امبرتو؛ شراتو، ارنست. (۱۳۷۶). *هنر ایلیخانی و تیموری*. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- واستون، آلیور. (۱۳۸۲). *سفال زرین فام ایرانی*. ترجمه شکوه ذاکری، تهران: سروش.

Blair, Sh. Bloom, J. (۱۹۹۴). *The Art and Architecture of Islam ۱۲۵۰-۱۸۰۰*, New Haven and London, Yale University Press, London.

Hall, H. (۲۰۰۱). *Ming ceramics*, The British Museum Press, London.

Woods, J.E (۱۹۹۰), *"Timur's genealogy"*, in *Intellectual studies on Islam: essays written in honor of Martin B Dickson*, ed. Michel M. Mazzaoui and Vera B. Moreen, Salt Lake City, Utah
